

## سپیده آماده

به بهانه نزدیک شدن به مهرماه و برگزاری جشنواره فیلم کودکان ونوجوانان، نشستنی را با حضور علی زارعان، مدیر گروه کودک ونوجوان شبکه دو سیما و بیژن بیرنگ، کارگردان نویسنده و تهیه‌کننده فعال در حوزه کودک برگزار کرده‌ایم تا در این میان به بررسی تأثیر برندسازی تلویزیون در سینمای کودک بپردازیم و اینکه چرا ایده بستن‌های موفق این دو نهاد که در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ به اوج خود رسیده بود، این روزها دیگر به قوام خود باقی نیست.

■ ■ ■

آقای زارعان و آقای بیرنگ، با تشکر از وقتی که برای حضور در روزنامه و شرکت در این نشست گذاشتید، در ابتدای بحث می‌خواهم این مسئله را مطرح کنم: در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ هماهنگی و بده بستانی میان سینما و تلویزیون وجود داشت که بر پایه آن آثاری سینمایی مانند کلاه قرمزی و پسر خاله و شهر موش‌ها بر گرفته از مجموعه‌های تلویزیونی آنها، بر پرده سینماها جای می‌گرفت و فروش‌های رکوردشکنی را هم نصیب گیشه سینماها می‌کرد. اتفاقی که متأسفانه این روزها، آنطور که باید و شاید دیده نمی‌شود، چرا؟

بیرنگ: در آن دوره تعاملی میان بنیاد سینمایی فارابی به مدیریت محمد بهشتی و تلویزیون بود. خود آقای محمد بهشتی یکی از توربین‌های سیما بودند و در واقع در آن دوره یک عده از تلویزیون رفتند و بنیاد فارابی را به وجود آوردند و همین مسئله دلیل تعامل میان این دو نهاد بود. بنیاد فارابی به تازگی تأسیس شده بود و قصد داشت تصمیماتی را به عمل برساند که یکی از این تصمیمات، ساخت فیلم سینمایی «محله برو بیا» بود به نام «کسبیر محله برو بیا» و پس از آن «شهر موش‌ها» که ساخت فیلم سینمایی «محله برو بیا» یا مشکلاتی بر خورد اما «شهر موش‌ها» ساخته شدن این تعامل میان تلویزیون و فارابی تدریجاً کمتر شد.

زارعان: در یک دورهای، سینما و تئاتر و تلویزیونی ظرف مرتبطی بودند که تعامل بسیار زیادی باهم داشتند، آقای بیرنگ سینما همان آقای بیرنگ تلویزیون بود. آقای طهماسب سینما همان طهماسب تلویزیون بود و این تعاملات مرزبندی نداشت، اما الان مرزبندی‌هایی میان سینما و تئاتر و سینما به وجود آمده است. اینگونه بود که کاراکتری که در برنامه‌های تلویزیون تکامل یافته بود می‌توانست یک کاراکتر عروسکی سینمایی شود و به سینما می‌فت یا کاراکتری که در سینما گل می‌کرد می‌توانست به تلویزیون بیاید. در آن روزهای طلایی حوزه کودک، جوانان در این حوزه فعالیت می‌کردند که کارنامه‌شان پر بود؛ از نقاط طلایی، به عنوان مثال خاتم برومند، آقای طهماسب، آقای بیرنگ، موققتی که باعث شده هنوز هم که هنوز است مدیران تلویزیون از فیلمسازان سرپال‌هایی بخوانند که روال تولید نمونه‌هایی مانند «دنیای شیرین» و «دنیای شیرین دریا»، «مدرسه موش‌ها» و «کلاه قرمزی» را ادامه دهند. مجموعه‌هایی که قابلیت ساخت نسخه‌های سینمایی هم داشتند اما مسئله این است که این روزها ما آن ارتباط مداوم و منسجم را نداریم.

بیرنگ: مسئله دیگری که وجود دارد این است که ما به نوعی تاریخچه تلویزیون هم هستیم. آقای رسام و من از همان روزهای اول انقلاب در کنار آقای طهماسب کار کودک ساختیم و برای اولین بار عروسک‌های دستنی را وارد کار کردیم. من می‌نوشتم آقای طهماسب اجرا می‌کرد و خاتم معتمد آریا عروسک گردان بود. مجموعه‌ای به نام «آسمون ریسوم» این برنامه همان روزها مقبول افتاد. شاید عنوان آقای طهماسبی که به نام آقای مجری معروف شده است، ادامه همان برنامه باشد این انسجامی که وجود داشت باعث می‌شد به عنوان مثال فارابی به ما پیشنهاد بدهد که چرا سینمایی «محله برو بیا» را نمی‌سازید و به خاتم برومند هم پیشنهاد می‌داند که سینمایی «شهر موش‌ها» را بسازند و پیشنهاد ساخت نسخه‌های سینمایی از سوزی فارابی مطرح می‌شد و کمتر از سوزی مابود.

**به مسئله خوبی اشاره کردید، چرا این روزها این پیشنهاد از سوی نهادهای مرتبط سینمای کودک مطرح نمی‌شود.**

زارعان: شادایی و ذهن خلاق در کنار امکانی که در تلویزیون و سینما در آن دوره وجود داشت که باعث ایجاد یک عصر طلایی شده بود، عصر طلایی که مشخصاتش با عشق کار کردن، شادایی، وجدانی و تعامل مثبت بود، رکود در سینما باعث سردی این تعاملات شده و باید ابعاد دیگر هم مورد توجه قرار گیرد. البته همه سبک‌های برنامه‌سازی و تعاملات هم فراز و فرودهایی دارد و یک روز در اوج است و روزی دیگر ممکن است رو به افول بنهد و من فقط امیدوارم که روال تعامل و همکاری در تولید آثار سینمایی کودک ونوجوان با همکاری دو حوزه که متعلق به دوره طلایی بودند، عقیم نشود. به باور من، این مسیر فیلمسازی حوزه کودک نیاز به یک از آراش و سرمایه‌گذاری مداوم دارد، مانند اتفاقی که در «استان‌های جزیره» افتاد (Island Lost) و تا سال‌ها روی آنتن شبکه‌های مختلف تلویزیون دنیا بود، تا حدی که شخصیت‌های قصه تدریجاً بزرگ شدند و ماجراها در تقاطع عمر افراد پیش می‌فت اما در «دنیای شیرین» این اتفاق نیتاد چون حمایت مداوم وجود نداشت، به عنوان مثال در «دنیای شیرین» قرار بود سری دومش با عنوان «دنیای شیرین صحر» در کرمان و یزد و پس از آن «دنیای شیرین جیران» و در ادامه در تمام مناطق کشور ساخته شود اما این اتفاق نیفتاد.

**بیرنگ:** نکته‌ای هم که من باید در این ماجرای عدم تداوم همکاری سینما و تلویزیون به آن اشاره کنم، نبود مدیریت‌های مداوم است. به عنوان مثال آقای اعلائی مدیری بود که طولانی‌ترین دوره مدیریت را داشت و با او می‌شد برنامه‌ریزی کرد برآی آتیه اما با مدیریت‌های کوتاهمدت، چنین امکانی وجود ندارد.

**متأسفانه این مدیریت‌های موقت در تمام حوزه‌های فرهنگی مشکل ساز است.**

زارعان: دوام و ثبات مدیریت باعث حاصلخیزی فرهنگ می‌شود و مدیریت در عرصه فرهنگ باید تداوم داشته باشد تا تأثیر گذار شود. در عرصه فرهنگ، مدیریت کوتاهمدت جواب نمی‌دهد.

**بیرنگ:** زمانی که می‌گویم میان تلویزیون و بنیاد فارابی – که متولی پیگیری برنامه سینماست – هماهنگی وجود داشته به

# گفت‌وگو

گفت‌وگو با ۸۸۴۹۸۴۲۸



فاصله گرفتن جان

**نشست رابطه تلویزیون و سینمای کودک با حضور بیژن بیرنگ کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده حوزه کودک و علی زارعان مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه دو سیما**

# طالایی ترین نقطه سینمای ایران سینمای کودک است

این دلیل است که در آن دوره چیزی به نام رایت در تلوزیون وجود نداشت. زمانی که فیلم سینمایی «محله برو بیا» به ما پیشنهاد شد، اصلاً من یاد نیست از تلویزیون رایت را گرفته باشم. یا بنیاد فارابی حقوقی را خریده باشد یا اصلاً حرف این باشد که اگر این فیلم را ببرنگ و رسام بسازند باید چیزی را بپردازت کنند، نه ما قرار بود فیلم سینمایی «محله برو بیا» را بسازیم و منافعتش هم برای من و آقای رسام بود، تلویزیون ادعایی نداشت و بنیاد فارابی هم کمک می‌کرد تا این اتفاق بیفتد کم‌اینکه برای «شهر موش‌ها» هم این اتفاق افتاد اما چند سال بعد زمانی آقای طهماسب خواست فیلم سینمایی «کلاه قرمزی و پسر خاله» را بسازد یک پرسوه طولانی را گذراند تا بتواند این امتیاز را از تلویزیون بگیرد. برای خاتم برومند زمانی که خواست فیلم سینمایی «زی ری گولو» را بسازد، دیگر تلویزیون امتیاز ساخت نسخه سینمایی «زی گولو» را به او نداد و هنوز هم داده نشده است. یا مثلاً زمانی که ما خواستیم نسخه سینمایی «مجید دلبندم» را بسازیم، دیگر اجازه این کار را به ما ندادند یا فیلم سینمایی «چاقی و لاغر».

**زارعان:** البته من می‌توانم در این میان واژه تعامل مثبت را در کنار حق رایت مطرح کنم. بر اساس قانون مؤلفین و مصنفین، سفارش دهنده همان صاحب اثر است و حق رایت اثر را دارد. اما اگر بگویند تلویزیون به تنهایی بیاید و سری دوم «دنیای شیرین» را بسازد خ سینما نمی‌تواند و خود تولیدکننده اثر به همراه سیما باید اقدام کند.

**چرا سیما اجازه ساخت نسخه سینمایی را به تهیه‌کنندگان آثار تلویزیونی نمی‌دهد؟**

زارعان: البته این طور نیست که صدا و سیما اجازه ندهد، چون اجازه ساخت کلاه قرمزی ۱ و ۲ را بر پرده سینماها داد یا اینکه شهر موش‌ها ۱ و ۲ ساخته شد و این ساخت‌های سینمایی نشان داد که این تعامل وجود دارد اما این همکاری باید مسیر مداوم و قانونمند پیدا کند و باید معلوم شود که طرفین در حقوق معنوی –مادی چگونه شریک هستند و تلویزیون هم باید عوایدی از گیشه نسخه سینمایی مجموعه‌های تلویزیونی‌اش داشته باشد تا این اتفاق رخ بدهد. به باور من در دهه ۶۰ و ادامه‌اش در دهه ۷۰ به این دلیل سینمای کودک موفق بود که سه ضلع مثلث ایجادکننده سینمای کودک در کنار هم قرار داشتند، فارابی، تلویزیون و آموزش و پرورش (که اکنون پرورش فکری هم زیر مجموعه آن وزارت است) و بخش خصوصی در وسط این مثلث قرار داشت، حالا هم اگر این سه ضلع مثلث، کامل و در تداوم مداوم باشد، سینمای کودک شکل می‌گیرد اما اگر هر یک از این اضلاع حضور نداشته باشند، این مثلث هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرد. یا اگر شکل بگیرد از موققت واقعی و ظرفیت مخاطبان بهره‌مند نخواهد شد.

**آقای زارعان، اما تلویزیونی نقش چندانی نداشته است در سرمایه‌گذاری پروژه‌های سینمای**

**کودک و بخش تیزرهای تلویزیونی آثار این حوزه یا تهیه‌کنندگی سینمای کودک نداشته است.**

**زارعان:** با حرف شما موفق نیستم اینکه سیما اجازه ساخت سینمایی «کلاه قرمزی» را بدهد، به فرض اینکه حتی یک تیزر تلویزیون هم پخش نکند، تنها به صرف ساخت نسخه سینمایی در فروش گیشه‌های آن تأثیر بسیار دارد چون خود تلویزیون این است که «کلاه قرمزی» را به مردم معرفی کرده است. یا مثلاً اگر صدا و سیما یک فریم تبلیغات از «شهر موش‌ها» هم پخش نکند، به صرف اینکه پخش تلویزیونی مجموعه «مدرسه موش‌ها» را بر عهده داشته، به عنوان حمایت و سرمایه‌گذاری کافی است. «شهر موش‌ها» اسمی است متصل به سیما و اعتبار و شهرتش را از تلویزیون گرفته است. سینمای کودک و برنامه‌های تلویزیون، دو عضو خانواده هستند و شاید اختلاف سلیقه‌هایی وجود داشته باشد اما در نهایت تلویزیون، خانه اکثر اهالی سینما کودک و نوجوان است.

**ماجرای سرمایه‌گذاری تلویزیون در سینمای کودک، چرا شبکه دوبه عنوان شبکه کودک در زمینه ساخت فیلم‌های سینمایی حوزه کودک مشارکت نمی‌کند؟**

**بیرنگ:** مشکل ما در ساخت فیلم‌های کودک اصلاً سرمایه‌گذاری نیست، مثلاً اگر تلویزیون اجازه ساخت نسخه سینمایی «مجید دلبندم» را بدهد، من مشکلی برای جذب سرمایه‌گذار ندارم و از طرف دیگر با توجه به جلوه‌های کامپیوتری این روزهای ما توأم «مجید دلبندم» بسیار بهتری را بسازم. اما این روزها این تکنولوژی وجود دارد و تلویزیون اگر چند قسمتش را روی آنتن برد، پس از آن سینمایی «مجید دلبندم» می‌تواند فروش نجومی را تجربه کند. این سه ضلع میزی که ایشان می‌گویند الان وجود ندارد و من نمی‌دانم با چه کسی باید سر میز بنشینم.

**زارعان:** سینما بعضی اوقات و آموزش و پرورش تقریباً همیشه در مذاکرات و تعاملات سینمای کودک حضور نداشته‌اند به دلیل عدم دوام مدیریت که قبلاً گفتیم، ۱۹ نهاد هستند که ردیف بودجه در حوزه کودک دارند اما از این ۱۹ نهاد حتی دو نهاد با هم همگرا نیستند. مابه‌تر است یک شورای عالی کودک داشته باشیم که طی مدیریت یکپارچه، فعالیت‌های مربوط به کودکان را ساماندهی کنند. این روزها تعامل تلویزیون از نمای کودک و نوجوان یک طرفه شده و فقط تلویزیون است که یار سینماست.

**بیرنگ:** ببخشید در میان حرف‌تان، واقعاً تئوری مدیریت یکپارچه‌واره گمشده‌ای است، مدیریت یکپارچه یعنی اینکه بدانی چقدر آب در این مملکت داریم و چگونه باید در صنعت و کشاورزی و استفاده‌های خانگی از آن بهره ببریم.

**زارعان:** مدیریت یکپارچه فرهنگی در حوزه کودک یعنی اینکه بیرسم آ یا کسی می‌داند کانون پرورش فکری کودک و نوجوان به عنوان پایه‌گذار سینمای کودک، الان کجاست؟



## تنها راه پیشرفت سینمای کودک، تعامل تلویزیون و سیما و بازگشت به همان نوستالژی است و در این حال تلویزیون خودش تیزر یک فیلم است. الان سینمای مستقل کودک با امکانات محدودی که دارد نمی‌تواند موفق شود

تلویزیون پویا نیست؟ به باور من یک همگرایی و هم‌نفسی میان سینما، تلویزیون و آموزش و پرورش، می‌تواند گره از ابسروی این دلبر زیباریزا کند. این فشارها که به بخش‌های مختلف می‌آید، باعث می‌شود فعالان این عرصه کنار بروند. حسن پورشیرازی عروسک گردان، مسعود کرامتی عروسک گردان و بسیاری از اهل هنر که همه از وادی کار کودک خارج شده‌اند و به عالم سینمای بزرگسال قدم گذاشته‌اند و کسی نمانده جز همان آقای طهماسب و جبلی و خاتم برومند. خود خاتم برومند که چند سالی در حوزه بزرگسال بودند و بار دیگر بازگشتند. به نظر می‌رسد طلایی‌ترین نقطه سینمای ایران، سینمای کودک است، جایی که می‌تواند ما را به تعالی برساند.

**دقیقا: مثلاً آقای کیارستمی یا «خانه دوست کجاست» و «مشق شب» و آقای مجیدی یا «چه‌های آسمان» و امیر نادری یا «ونده» در سینمایی جهان مشهور شدند.**

بیرنگ: آقای رضاداد از بزرگان سازمان بودند. ایشان زمانی که به فارابی رفتند بلافاصله مجمع سینمای کودک را در آنجا فعال کردند و از من و خاتم برومند و وحید نیکخواه و بسیاری دیگر از دوستان دعوت کردند و ناگاه سینمای کودک در آن سال تکلی خودرو جشنواره کودک تغییر کرد، اصلاً نگاه به برنامه‌ریزی کار کودک تحول پیدا کرد و در آن شورا ما تصمیم گرفتیم که به فیلم‌های هنری جایزه ندهسیم و به فیلم‌هایی جایزه بدهیم که برای کودک ساخته شود و بازار داشته باشد. در آن دوره بلافاصله صاحب سینما شدیم و بخش سینمای کودک را افتاد و تلویزیون تیزرهایش را پخش کرد و فارابی هم به هر پخش سی میلیون کمک بیا عرض کرد تا این سینما راه بیفتد و همه این اتفاق‌ها زمانی رخ داد که یکی از اهالی تلویزیون وارد بنیاد فارابی شد اما زمانی که این ترکیب تغییر کرد، شورای کودک هم عوض شد، این را از شمایی پرسیم، اگر هر کجای دنیا «شهر موش‌ها» ساخته می‌شد، شاید با چنین استقبالی روبرو می‌شد؟ این همکاری سینما و تلویزیون است که نمر می‌دهد. سینمای کودک ما، اندازهای نیست

بعد هم در تلویزیون حضور دارد و در هر دو عرصه هم موفق است.

**بیرنگ:** البته من هم اگر اعتبار بانکی داشته باشم دیوانه نیستم که سر یک کار دیگر بروم، «مجید دلبندم» و «چاقی و لاغر» را اول نمی‌کنم، کما اینکه آقای طهماسب «کلاه قرمزی» را اول نکرد.

البته این تداوم همواره با اقبال مخاطبان روبرو شده است و «کلاه قرمزی» هر ساله بر مخاطب‌ترین برنامه نوروزی سیما لقب می‌گیرد و روی پرده هم رکودشکن گیشه می‌شود.

زارعان: در این میان تلویزیون همیشه پای همکاری داشت، اما سیما گاه هست و گاه نیست و از طرفی دوام و هم‌قدمی مدیریتی لازم را نداشته البته من بسیار خوشحالم که هنوز جشنواره کودک زنده است اما باید خواسمان باشد که جشنواره ما را گول نزنند، چون جشنواره نماینده پویایی سینمای کودک نیست و تنها ویتربن این ژانر از سینماست و در واقع جشنواره شرط لازم است و نه شرط کافی.

**یکی از مشکلات اساسی سینمای کودک، اگران عمومی است، به عنوان مثال «گوردا له و عمه غوله» که بهترین فیلم در جشنواره فیلم کودک سال ۹۱ شد، پس از گذشت دو سال هنوز هم به پرده اکران نر رسیده است وای به روز سایر فیلم‌های جشنواره. از طرف دیگر با توجه به اینکه شبکه‌های سینمایی کودک بپرداز و با خرید فیلم‌های کودک و بخش آنها در سیما، کمی از بار مشکلات فعالان این سینما بکاهد.**

زارعان: اتفاقاً اخیراً با حضور جناب آقای بخشی‌زاده و آقای جعفری جلوه مدیر عامل بنیاد فارابی و مهدی مسعودشاهی دبیر جشنواره کودک جلسهای داشتیم که بنیاد سینمایی فارابی و شبکه دو به توافقی رسیدند که بر اساس آن یک برنامه دائم مانند سینما هفت با محوریت سینما کودک در شبکه دو تولید و پخش شود، با این تفاوت که در اینجا تنها در باره سینما کودک صحبت نمی‌شود و در سه بخش یعنی بخش معرفی هنرمندان، بخش پخش فیلم‌هایی که در آرشو فارابی باقی مانده‌اند و بخش دیگر بالا بردن سواد بصری مخاطبان فعال شود. من تصور می‌کنم اگر این روند پایدار باشد، نشانه سحری در راه است.

**بیرنگ:** در این میان همدلی آقای جعفری جلوه که خوشان بیست سال از مدیران تلویزیون بوده و از تلویزیون به سینما آمده‌اند، اثر گذار است و البته بیشتر اهل سینمای کودک و نوجوان از بدنه صداوسیما هستند



**پس ماجرای پخش این برنامه قطعی شده است؟**
**زارعان:** بله.

**بیرنگ:** تنها راه پیشرفت سینمای کودک، تعامل تلویزیون و سینما و بازگشت به همان نوستالژی است و در این حال تلویزیون خودش تیزر یک فیلم است. الان سینمای مستقل کودک که ما با امکانات محدودی که دارد بعدی می‌دام بتواند موفق حاضر شود. در هر حال مانی چندانی ندارد.

**می‌توانیم «شهر موش‌ها» را بسازیم که پیش از این در ذهن مردم معرفی شد.**

**زارعان:** اگر تلویزیون از سینما حمایت کند، سینمای کودک جوابی می‌دهد و سینما دادران هم سال‌ها پیش را

به اکران این فیلم‌ها اختصاص می‌دهند که پیش‌زمینه تلویزیونی داشته‌اند.

**بیرنگ:** اتفاقی که می‌افتد در تلویزیون، برندسازی است، مانند «شهر موش‌ها» و «چاقی و لاغر»، اینها برند هستند هر روز ساخته نمی‌شوند.

**زارعان:** از طرف دیگر کاراکترها در تلویزیون عمیق می‌شوند چون در سینما ما شاهد ۹۰ دقیقه فیلم هستیم، اما در تلویزیون ما ۶۰۰ دقیقه تا ۱۰۰۰ دقیقه زمان داریم. زمانی که کاراکترها از تلویزیون به سینما می‌روند، کاراکترهای عمیق شده‌ای هستند که با

سینما از تباطر برقرار کرده‌اند و همین طور برعکس، مثلاً اگر سینمایی «پورنگ» ساخته شود، باید زیر نظر یک کارگردان و تهیه‌کننده دیگر ساخته شود و جهش پیدا کند و این پورنگی که از سینما به تلویزیون بازمی‌گردد دیگر آن پورنگ روز اول نیست و در واقع صقلی داده شده است و پس از آن امکان این را دارد که کتاب قصه و آلبومش هم منتشر شود. این تعامل میان تلویزیون و سینما مانند پینگ‌پنگ است.

**بیرنگ:** من از شما تشکر می‌کنم که بحثی را مطرح کردید که مسئله اساسی در سینما کودک است و سینمای کودک را به تنهایی بررسی نکردید و تعامل این دو را دیدید و به این نتیجه رسیدید که سینمای کودک بدون تلویزیون شاید بتواند جشنواره داشته باشد اما در نتیجه اثر باقی مانده از آن در آرشو فارابی خاک می‌خورد و در نهایت این ژانر از سینما با همکاری میان سینما و تلویزیون محقق می‌شود.